

اتحادیه اروپایی و پدیده تروریسم

علیرضا پیروزان*

اعمال به شدت محکوم می‌کنند. برای نمونه، ایالات متحده در دوران ریاست جمهوری رونالد ریگان بسیاری از رژیم‌ها بویژه دولت لیبی را در این رابطه محکوم می‌کرد، اما همزمان و آشکارا از خشونت فرودولتی (sub-state violence) بر ضد دولت نیکاراگوئه که با حکومت آن روابط کامل دیپلماتیک داشت از راه‌های ممکن پشتیبانی می‌کرد. از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران در صورت تفسیر گسترده از اصطلاح «تروریسم» حتا شخص جورج واشنگتن بنیادگذار آزادی آمریکا از سلطه و استعمار انگلستان نیز برای اقدامات خشونت‌آمیز با انگیزه سیاسی «تروریست» نامیده خواهد شد.^۲

مفهوم تروریسم پس از پایان جنگ سرد و بویژه پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ به صورت ابزاری در دست ایالات متحده و دولت‌های عضو اتحادیه اروپا درآمد تا از یک سو با توجه به مبهم بودن مفهوم آن، از آن در جهت تأمین منافع ویژه سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی خود بهره‌گیرند و از سوی دیگر بسیاری از نیروهای خواهان تغییر در نظام حاکم بر سیاست و عرصه روابط بین‌الملل را با این مفهوم پیوند دهند و همچنان در تعریف شرایط و روندهای تازه بین‌المللی پیش‌تاز باشند.

در این زمینه می‌توان به اعمال فشار ایالات متحده آمریکا و برخی از دولت‌های عضو اتحادیه اروپایی به ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بویژه پس از رخداد یازدهم سپتامبر اشاره کرد.^۳ به نظر دکتر حسین سیف‌زاده:

«شمال می‌تواند تحت عنوان سیاست مبارزه با

پیشگفتار

بر پایه فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، «تروریسم» اصطلاحی است که بر سر تعریف آن توافق میان حکومت‌ها یا تحلیلگران دانشگاهی وجود ندارد، اما کمابیش به شیوه‌های گوناگون و با برداشتی منفی برای بیان اقدامات [خشونت‌آمیز] گروه‌های فرودولتی خودساخته (self-appointed sub-state groups) با انگیزه‌ها و اهداف سیاسی [همراه با ایجاد ترس و وحشت] بر ضد جان افراد به کار می‌رود.^۱ اما، تروریسم به عنوان اصطلاحی ناخوشایند نه تنها برای بازیگران فرودولتی (Sub-state actors) بلکه گاهی هم برای اعمال برخی از حکومت‌ها به کار می‌رود. برای نمونه اصطلاح «تروریسم دولتی» (State Terror) به اقدامات گروه‌های رسمی چون گشتاپو [در آلمان نازی]، کی.جی.بی. [در اتحاد جماهیر شوروی] و اشتنازی در آلمان شرقی و مانند آن‌ها بر ضد مخالفان یا اقلیتهای قومی گفته می‌شود.

اصطلاح «تروریسم مورد پشتیبانی دولت» (state-sponsored terrorism) بیشتر برای اقدام حکومت‌های گوناگون در سازماندهی مستقیم یا دادن کمک غیرمستقیم به عاملان اقدامات خشونت‌بار در دیگر کشورها به کار می‌رود. اما در عمل می‌توان گفت که این کار تنها شکلی از «جنگ اعلام نشده کم‌شدت» (low-intensity undeclared warfare) میان کشورهای مستقل است. در سال‌های گذشته بسیاری از کشورها با انگیزه‌های گوناگون ایدئولوژیک در این گونه از فعالیت درگیر شده‌اند و همزمان دیگران را برای ارتکاب همان

* کارشناس ارشد مطالعات اروپایی - دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

تروریسم روبه‌رو است و با توجه به آنکه مبنای بستن هر گونه پیمان بین‌المللی در زمینه تروریسم، نخست تعریف مفهومی آن است، چنین امری تاکنون اجرا نشده است و چشم‌انداز اجرای آن در آینده نزدیک نیز تیره است.

از سوی دیگر با رویداد یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله به برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در نیویورک و وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) در واشنگتن، اتحادیه اروپا پشتیبانی این اتحادیه از مبارزه جهانی بر ضد تروریسم را اعلام کرد.

در این نوشتار می‌کوشیم تا همراه با بررسی پدیده تروریسم در اتحادیه اروپا، به ارزیابی اقدامات گروهی این اتحادیه بر ضد آن نیز بپردازیم.

اتحادیه اروپایی و پدیده تروریسم

مفهوم و پدیده تروریسم - بویژه شکل نظام‌مند آن - در سده‌های گذشته در اصل، در اروپا شکل گرفته است. اروپا کانون تندترین نوع تروریسم در شکلهای گوناگون آن در سه سده گذشته بویژه پس از انقلاب فرانسه بوده است. اما پس از پایان جنگ جهانی دوم بویژه از دهه

○ مفهوم تروریسم پس از پایان جنگ سرد و بویژه پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ به صورت ابزاری در دست ایالات متحده و دولتهای عضو اتحادیه اروپا در آمد تا از یک سو با توجه به مبهم بودن مفهوم آن، از آن در جهت تأمین منافع ویژه سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی خود بهره‌گیرند و از سوی دیگر بسیاری از نیروهای خواهان تغییر در نظام حاکم بر سیاست و عرصه روابط بین‌الملل را با این مفهوم پیوند دهند و همچنان در تعریف شرایط و روندهای تازه بین‌المللی پیش‌تاز باشند.

تروریسم فضای ساختاری و ذهنی مناسب را برای به بن بست کشاندن آرمانهای عدالت‌جویانه جنوب فراهم کند. (...) آمریکا توانست با زمینه‌سازیهای فراوان فضایی را به وجود آورد که اقدام پیش‌دستانه و پیشگیرانه دانشجویان [گروگانگیر در سفارت آمریکا] جهت جلوگیری از کودتای آمریکا، به عامل اساسی در بحران‌سازی علیه ایران تبدیل شود.»^۴

از جمله متغیرهایی که «تضاد مفهومی» (conceptual Contradiction) تروریسم را تشدید کرده است، رفتار و برخورد دوگانه قدرتهای بزرگ بویژه آمریکا به عنوان سردمدار مبارزه با تروریسم است. «استفان سگالر» در کتاب خود با عنوان «ارتشهای نامرئی» با اشاره به همین برخورد دوگانه غرب با پدیده تروریسم می‌نویسد:

«ما غربی‌ها دشمنان خود را به ارتکاب تروریسم محکوم می‌کنیم، اما اگر همین اقدامات توسط متحدین یا دوستانمان انجام پذیرد، آن را با سخنان زیبایی همچون مبارزه‌هایی بخش یا مبارزه با حکومت‌های توتالیتر و سرکوبگر توجیه می‌کنیم.»^۵

یکی دیگر از علل نبود هماهنگی نظری و عملی در زمینه مفهوم و ماهیت پدیده تروریسم، چندگانگی فرهنگی و هویتی حاکم بر جوامع انسانی گوناگون است. در دوره جنگ سرد بلوک غرب، بلوک شرق، و «جنبش عدم تعهد» یکدیگر را به کارشکنی در روند تبیین و عملیاتی شدن این مفهوم متهم می‌کردند. دامنه این تعارضات پس از پایان جنگ سرد و بویژه پس از یازدهم سپتامبر نه تنها همچنان بر پهنه روابط بین‌الملل باقی ماند، بلکه روز به روز بر شدت آن افزوده شد. بیشتر این تعارضات از چگونگی رفتار و برخورد خود دول غربی در برابر مفهوم تروریسم برخاسته است: دولتهای غربی از یک سو می‌کوشند تا با گسترش مفهوم تروریسم، «جنبشهای رهایی‌بخش» و مقاومت مشروع مسلمانان را نیز با این مفهوم پوشش دهند، و از سوی دیگر از اینکه این گسترش مفهومی تروریسم دولتی اسرائیل را نیز دربرگیرد ابراز نگرانی می‌کنند.

بر اثر تمام این عوامل پهنه روابط بین‌الملل همچنان با ناهماهنگی بین‌المللی در زمینه تعریف پدیده

زده‌اند.^۸ جنبشهای دیگری نیز در کشورهای همانند ایتالیا و هلند در دهه‌های گذشته برای تأمین مقاصد سیاسی به خشونت روی آورده بودند که از سوی دولت‌های این کشورها سرکوب شدند.

اما در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ اروپا صحنه بازی طیف دیگری از گروه‌های تروریستی شد که یا از آن سوی مرزهای اروپا (بویژه مستعمرات پیشین کشورهای اروپایی) وارد این قاره شده بودند و یا دارای تباری غیر اروپایی بودند. این طیف که می‌توان از آنها با عنوان «تروریست‌های غیر بومی» یاد کرد، برآیند پیشینه درازمدت کشورهای اروپایی در استعمار ملل دیگر و دخالت‌های پیاپی آنها در امور درونی این کشورها است. هر چند پذیرش این واقعیت از سوی مقامات اروپایی بسیار سنگین و دشوار است و بیشتر می‌کوشند با فرافکنی، ریشه‌پیدایش این گونه از تروریسم را به دموکراتیک بودن جوامع غربی نسبت دهند.

چالش «تروریسم بین‌الملل» از سال‌های آغاز دهه ۱۹۷۰ مورد توجه «شورای اروپا» قرار گرفت. در ۱۹۷۲ و در پی کشته شدن چند ورزشکار اسرائیلی در جریان المپیک مونیخ - که به طرح موضوع در مجمع عمومی سازمان ملل متحد انجامید - شورای اروپا توصیه‌نامه ۶۸۴ با موضوع تروریسم بین‌الملل را منتشر کرد که در آن با اشاره به رویداد مونیخ به‌عنوان نمونه هولناکی از گسترش اقدامات تروریستی در سطح بین‌الملل، توصیه‌هایی را در این زمینه به کمیته وزرای شورای اروپا کرده بود که از مهمترین آن، پیوستن دولت‌های عضو شورای اروپا به کنوانسیون‌های سه‌گانه تروریسم هوایی (هوایماربایی) و بریدن رابطه این دولتها با سازمان‌هایی بود که تروریسم را ابزار مشروعی برای مبارزه می‌دانند.

در همین سال با پیشنهاد ژرژ پمپیدو نخست‌وزیر فرانسه، گروهی به نام «گروه پمپیدو» متشکل از اعضای جامعه اروپا و رؤسای واحدهای عملیاتی ضد تروریستی کشورهای عضو، برای رویارویی با مافیای قاچاق مواد مخدر و تروریسم تشکیل شد.^۹ شورای اروپا در توصیه‌نامه ۷۰۳ که در ۱۹۷۳ صادر کرد، با تأکید بر لزوم مجازات مرتکبین اقدامات

○ مفهوم و پدیده تروریسم - بویژه شکل نظام‌مند آن - در سده‌های گذشته در اصل، در اروپا شکل گرفته است. اروپا کانون تندترین نوع تروریسم در شکل‌های گوناگون آن در سده سده گذشته بویژه پس از انقلاب فرانسه بوده است. اما پس از پایان جنگ جهانی دوم بویژه از دهه ۱۹۶۰ کشورهای اروپایی هدف اقدامات تروریستی بومی و غیربومی قرار گرفتند.

طیف «تروریست‌های بومی» اروپا بیشتر دربرگیرنده گروه‌های عقیدتی چپ (مارکسیستی - لنینیستی) و یا قوم‌گرا بود که در دوران جنگ سرد و پس از آن با اقدامات خشونت‌آمیز خود فضای امنیتی اروپای غربی را ناامن کرده بودند.

۱۹۶۰ کشورهای اروپایی هدف اقدامات تروریستی بومی و غیربومی قرار گرفتند.

طیف «تروریست‌های بومی» اروپا بیشتر دربرگیرنده گروه‌های عقیدتی چپ (مارکسیستی - لنینیستی) و یا قوم‌گرا بود که در دوران جنگ سرد و پس از آن با اقدامات خشونت‌آمیز خود فضای امنیتی اروپای غربی را ناامن کرده بودند. از میان گروه‌های عقیدتی می‌توان از سازمان‌هایی همچون «راه مستقیم» (Action Directe در فرانسه، «ارتش سرخ» (Rote Armee Fraktion در آلمان، و «بریگاد سرخ» - (Brigate Rosie) در ایتالیا نام برد که بر سرهم‌انگیزه‌های عقیدتی و ضد سرمایه‌داری - ضد امپریالیستی را در سر می‌پروراندند.^۷

در میان گروه‌های قوم‌گرا نیز می‌توان به گروه‌های با پیشینه‌ای همچون «جدایی طلبان باسک» در اسپانیا و فرانسه، و استقلال طلبان ایرلند اشاره کرد که در سال‌های بی‌دری بر ضد این دولتها دست به اقدامات خشونت‌بار

را به خطر اندازد؛ تجاوز بر ضد زندگی و آزادی افرادی که از نظر بین‌المللی حمایت می‌شوند از جمله نمایندگان دیپلماتیک؛ آدم‌بایی؛ گروگان‌گیری؛ بمب‌گذاری و به کارگیری بمب‌های نامه‌ای یا بسته‌ای که زندگی افراد را به خطر می‌اندازد؛ و سرانجام تلاش در جهت ارتکاب یکی از اقدامات فوق‌یا مشارکت همکاری در ارتکاب این گونه اقدامات.

بدین ترتیب دولتهای عضو کنوانسیون متعهد شده‌اند که این گونه جرایم را از «جرم سیاسی» که تا آن زمان و بر پایه آن، از استرداد تروریست‌ها خودداری می‌شد، متمایز کنند.^{۱۴}

در ۱۹۸۰ رؤسای تیمهای عملیاتی ضد تروریستی جامعه اروپا، «گروه کاری تروریسم» را تشکیل دادند. این گروه کاری که هر دو سال یک بار نشست دارد، به بررسی و ارزیابی راهکارهای مبارزه با تروریسم می‌پردازد. پیش از این، دولتهای عضو جامعه اروپا در چارچوب «کلوب برن» و «گروه ژیک لکت» (Gieclct) برای مبارزه با فعالیتهای تروریستی همکاری می‌کردند. چارچوب دیگر همکاری کشورهای عضو برای مبارزه با تروریسم «پیمان شننگن» است. «پیمان شننگن» که در ۱۹۸۵ میان پنج کشور بلژیک، هلند، لوکزامبورگ، فرانسه و آلمان در شهر کوچکی به همین نام در کشور لوکزامبورگ امضا شد میان نیروهای پلیس

○ در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ اروپا صحنه بازی طیف دیگری از گروههای تروریستی شد که یا از آن سوی مرزهای اروپا (بویژه مستعمرات پیشین کشورهای اروپایی) وارد این قاره شده بودند و یا دارای تباری غیر اروپایی بودند. این طیف که می‌توان از آنها با عنوان «تروریست‌های غیر بومی» یاد کرد، برآیند پیشینه درازمدت کشورهای اروپایی در استعمار ملل دیگر و دخالتهای پیاپی آنها در امور درونی این کشورهاست.

تروریستی جدا از انگیزه و اهداف آنها، واکنش جامعه بین‌المللی در برابر پدیده تروریسم را ناامید کننده ارزیابی کرد و بر ضرورت و فوریت اتخاذ تدابیر مشترک میان دولتهای عضو شورای اروپا برای مبارزه با این پدیده تأکید کرد.^{۱۰} سپس کمیته وزرای شورای اروپا در ۲۴ ژانویه ۱۹۷۴، قطعنامه ۷۰۴ در زمینه «تروریسم بین‌الملل» را صادر کرد که این قطعنامه زیربنای «کنوانسیون اروپایی سرکوب تروریسم» (European Convention on the Suppression of Terrorism) شمرده می‌شود.

در دسامبر ۱۹۷۵، شورای اروپا برای آسان کردن همکاری میان دولتهای عضو و مبادله اطلاعات امنیتی و مطالعات ویژه درباره گروههای تروریستی و دادن مشاوره و توصیه به مقامهای تصمیم‌گیرنده و اجرایی، گروهی به نام «تریوی» (Terrorism, Extremism, Violence (TREVI) از وزیران دادگستری و کشور دولتهای عضو را تشکیل داد که نخستین اقدام جمعی اروپایی بر ضد تروریسم بود.^{۱۱}

گام‌نهایی در این زمینه با صدور اعلامیه شورای اروپا در مورد «تروریسم بین‌الملل» مصوب ۱۲ ژانویه ۱۹۷۶ برداشته شد. این اعلامیه از وزیران دادگستری دولتهای عضو می‌خواست که نسبت به تدوین کنوانسیون اقدام کنند که برپایه آن دولتهای عضو، متعهد به محاکمه یا استرداد افرادی شوند که در گروگان‌گیری مشارکت دارند،^{۱۲} کنوانسیون مورد نظر پس از یک سال (۱۷ جولای ۱۹۷۷) با عنوان «کنوانسیون اروپایی مبارزه با تروریسم» در استراسبورگ فرانسه به تصویب رسید.^{۱۳} یکی از برجسته‌ترین بخشهای «کنوانسیون اروپایی مبارزه با تروریسم» ارائه تعریف روشن و جزئی از اقدامات تروریستی است، به گونه‌ای که این کنوانسیون بسیاری از اقداماتی را که در سالهای بعد در چارچوب کنوانسیون‌های بین‌المللی از موارد ارتکاب جرم تروریسم شناخته شد (از جمله بمب‌گذاری و گروگان‌گیری) را پوشش می‌دهد. مصادیق اقدامات تروریستی در «کنوانسیون اروپایی سرکوب تروریسم» این چنین است:

هوایماریایی و هر اقدامی که امنیت مسافران هوایی

کشورهای عضو با ایجاد يك شبکه هماهنگ جهت صدور ویزا، همکاریهای گمرکی، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و اقدامات تروریستی بنیانی برای همکاری پدید آورد.

در ۱۹۹۱ دولتهای ایتالیا، اسپانیا و پرتغال به عضویت «پیمان شنگن» درآمدند و سرانجام در ۱۹۹۵ این پیمان در چارچوب ساختار اتحادیه اروپا قرار گرفت.

پس از امضای پیمان اتحادیه اروپا (ماستریخت - ۱۹۹۲)، دولتهای عضو برای بنیاد نهادن «سیاست خارجی و امنیتی مشترك» و همچنین اجرای نظام شهروندی مشترك در سرزمین اتحادیه را که در این پیمان پیش بینی شده بود دست به تلاش زدند. در همین راستا، وظایفی برای نیروهای امنیتی در نظر گرفته شد که از جمله این وظایف، همکاری و هماهنگی بیشتر برای سرکوب و پیشگیری از اقدامات تروریستی بود، و دولتهای عضو را متعهد می کرد که با «پلیس اروپایی» (Europol) و «دادگستری اروپایی» همکاری و هماهنگی بیشتری داشته باشند.^{۱۵}

در ۱۹۹۷ دولتهای عضو اتحادیه اروپا پیمان دیگری را جهت پیشگیری از تروریسم امضا کردند. هدف اصلی این پیمان کنار زدن عوامل ایجاد کننده تروریسم است. مهمترین بخش این موافقت نامه، روشن کردن موارد اقدامات تروریستی به سان زیر است:

آدم ربایی؛ گروگان گیری؛ هرگونه اقدام غیرقانونی که به نقض حقوق بشر بیانجامد؛ تهدید زندگی دیگران (افراد، سازمان ها و حکومت ها) به وسیله بمب (آشکار یا پنهان)، نارنجک و هرگونه سلاح گرم.

در پی رویداد یازدهم سپتامبر، اتحادیه اروپا با اعلام همبستگی با آمریکا در مبارزه جهانی با تروریسم، فعالیت های بین المللی خود برای مبارزه با تروریسم را به گونه چشمگیری افزایش داد.

در نخستین واکنش به رویداد یازدهم سپتامبر، تنها ۹ روز پس از این رویداد (۲۰ سپتامبر ۲۰۰۱) شورای اتحادیه اروپا در امور قضایی و داخلی نشست برگزار کرد. در این نشست، دولتهای عضو اتحادیه اروپا برای اتخاذ رویکردی فراگیر در مبارزه با تروریسم در چارچوب اتحادیه اروپا و با همکاری آمریکا به توافق

رسیدند.

مهم ترین توافقات این نشست این چنین است:

الف. جایگزین شدن رژیم های ملی مبارزه با تروریسم با يك رژیم یکسان اروپایی
ب. رسیدن به تعریفی یکسان از تروریسم و تحریم های اعمال شده بر تروریست ها و پشتیبانان آنها
ج. همکاری و هماهنگی بیشتر دولتهای عضو با یورپل

د. تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با تروریسم

هـ. برگزاری نشست های مشترك و منظم اتحادیه اروپا - ایالات متحده جهت بررسی و ارزیابی تهدیدات تروریستی (دست کم چهار بار در سال)

و. همکاری یورپل با نهادهای امنیتی ایالات متحده
ز. همکاری قضایی میان اتحادیه اروپا - ایالات

متحده در زمینه چگونگی برخورد با پدیده تروریسم در جهت تحقق بخشیدن به این اهداف هیأت ترویکای اتحادیه اروپا از ۲۴ تا ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ از کشورهای سوریه، ایران، مصر، عربستان و پاکستان دیدار کردند.^{۱۶}

با گذشت کمتر از سه ماه (دسامبر ۲۰۰۱) «شورای اروپایی» در نشستی برای نخستین بار با بیان زیر اقدام به

○ در ۱۹۹۷ دولتهای عضو اتحادیه اروپا

پیمان دیگری را جهت پیشگیری از تروریسم امضا کردند. هدف اصلی این پیمان کنار زدن عوامل ایجاد کننده تروریسم است. مهمترین بخش این موافقت نامه، روشن کردن موارد اقدامات تروریستی به سان زیر است:

آدم ربایی؛ گروگان گیری؛ هرگونه اقدام غیرقانونی که به نقض حقوق بشر بیانجامد؛ تهدید زندگی دیگران (افراد، سازمان ها و حکومت ها) به وسیله بمب (آشکار یا پنهان)، نارنجک و هرگونه سلاح گرم.

با تروریسم» تأکید کرد.

تعریف «تروریسم» کرد.

پی‌نوشتها:

1. Iain McLean, (ed.), **The Concise Oxford Dictionary of Politics**, (New York: Oxford University Press, 1996), p. 492.
2. *Ibid.*, p. 493.
3. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: Edward F. Mikolas, "What constitute state support to terrorists", in **Terrorism and Political Violence**, Vol. 1:3 (July 1984); and "Terrorism and public opinion: a five country comparison", *Ibid.*, Vol. 2 (1990), pp. 70-145.
4. سید حسین سیف زاده، معمای امنیت و چالش‌های جدید غرب، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳)، صص ۱۸۶ و ۱۸۷.
5. Stephan Segaller, **Invisible Armies**, (London: Sphere Books, 1987), p. 20.
6. Rosalyn Higgins, "The General International Law of Terrorism", in Higgins and Flory (eds.), p. 16.
7. Christopher Dobson and Ronald Payne, **Terror: the West Fights Back**, (London: Macmillan Press, 1982).
8. *Ibid.*
9. "Counter-Terrorism and EU Pompidou Group", in <http://www.terror.gen.tr/english/eu-counter/pompidou.html>
10. Omer Yousif Elagab, **International Law Documents Relating to Terrorism**, (London: Cavendish Publishing, 1995), pp. 80-83
11. M. Cordona, "The European Response to Terrorism", in Alex P. Schmidt and Ronald D. Crelinsten (eds.) **Western Response to Terrorism**, (London: Frank Cass Co., 1993), p. 254.
12. Omer Yousif Elagab, op. cit., pp. 102-103.
13. European Convention on the Suppression of Terrorism, **United Nations Treaty Series**, Vol. 359, p.273.
14. *Ibid.*
15. Counter- Terrorism and EU, Associations which were formed after Maastricht Treaty, <http://terror.gen.tr/english/eu-counter/maastricht.html>
16. Brussel Extraordinary European Council: **Conclusions and Plan of Action**, Press Release, Brussels, 21/9/2001, no. 140/01.
17. <http://ec.europa.eu/justice-home/news/laecken-council/en/terrorism-en.htm>
18. EU Action Plan on Fight Against Terrorism: State of Play, 15 April 2002, <http://ec.europa.eu/external-relations/110901/gac.htm>

«تروریسم، تهاجمی عمدی است که از سوی یک فرد یا گروه بر ضد یک یا چند کشور، نهادها یا افراد این کشور، با هدف ایجاد ترس در آنها، یا تغییر در وضع سیاسی آنها، یا تخریب ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در آن کشور انجام می‌شود.»^{۱۷}

از جمله موارد پشتیبانی اتحادیه اروپا از آمریکا و همکاری با این کشور در مبارزه جهانی با تروریسم، کمک به ایالات متحده در حمله به افغانستان (۱۷ اکتبر ۲۰۰۱) جهت نابودی شبکه القاعده و طالبان در این کشور بر مبنای قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد بود. همچنین اتحادیه اروپا در ۳۱ می ۲۰۰۱ قوانین تازه‌ای را در مورد اسامه بن لادن، شبکه القاعده و گروه طالبان تصویب کرد که بر پایه آنها تمام اموال، دارایی‌ها و منابع مالی این گروه‌ها در اروپا مسدود و توقیف می‌شد.

«شورای امور عمومی» (General Affairs Council) (GAC) در ۱۵ آوریل ۲۰۰۲ در لوکزامبورگ بار دیگر در برنامه اقدام اتحادیه اروپا جهت مبارزه با تروریسم بازنگری کرد. در این بازنگری، اتحادیه اروپا در اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد و همچنین برای توقیف اموال، دارایی‌ها و منابع مالی گروه‌های تروریستی به تلاش‌هایش شدت بخشید. همچنین بر همکاری بیشتر در زمینه کمک‌های دوجانبه نیروهای پلیس دولتهای عضو و هماهنگی سیستماتیک بیشتر با آمریکا در فعالیتهای ضد تروریستی با تقویت «سیستم اطلاعاتی شننگن» (Shengen Intelligence System (SIS)) بار دیگر تأکید شد.^{۱۸}

یکی از مهمترین مواردی که در نشست «شورای امور عمومی» مورد توافق قرار گرفت، گنجاندن بند مبارزه با تروریسم در موافقت‌نامه‌های دوجانبه اتحادیه با کشورهای سوم بود که این موضوع در برخورد اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی ایران نمایان شد. اتحادیه اروپا پس از نشست شورای امور عمومی و اعلامیه شورای وزیران در لوکزامبورگ برای صدور اجازه گفت‌وگو به کمیسیون اروپا جهت برگزاری نهمین دور گفت‌وگوهای فراگیر با جمهوری اسلامی ایران در تهران، بر امضای سندی جداگانه میان اتحادیه اروپا و ایران با عنوان «مبارزه